

اسلام و پژوهش های روان‌شناختی

سال اول، شماره اول، پیاپی ۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۹۵ - ۱۱۴

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی

دانش‌آموزان خانواده‌های دارای تک و دو فرزند با بیش از دو فرزند

Personality Traits and Life Satisfaction: A Comparison between Students from Families with one or two Children and Families with more than two Children

محمد زارعی توپخانه / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Mohammad Zarei Tupkhaneh / PhD student of psychology, RIHU.

Email: mohammad1358z@gmail.com

Abstract

The present study compares the personality traits and life satisfaction of students from families with one or two children and families with more than two children. The sample included 295 high school students at first to third grades in city of Baharestan in Tehran province, who were selected through random cluster sampling. The research method is descriptive, correlation type and the instruments used were Eysenck Personality questionnaire and satisfaction of life questionnaire. Data were analyzed based on Mann-Whitney U test.

The findings indicate that an average score of neuroticism and schizophrenia in students from families with one and two children is significantly higher than those from families with more than two children. Also, there is no significant difference in the average score of extroversion and life satisfaction in these two groups; therefore, the more the number of members in the family, the more the possibility of

چکیده

پژوهش پیش رو، به مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای تک و دو فرزند با خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند پرداخته است. حجم نمونه مورد پژوهش، ۲۹۵ نفر از دانش‌آموزان اول تا سوم دبیرستان‌های شهرستان بهارستان استان تهران است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است و ابزار استفاده‌شده، پرسش‌نامه شخصیتی آیسنک و پرسش‌نامه رضایت از زندگی است. داده‌ها براساس آزمون مان‌ویتنی تحلیل شد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که میانگین رتبه روان‌آزردگی و روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌های یک و دو فرزند به‌طور معناداری بیش از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند است. همچنین، میان میانگین رتبه برون‌گرایی و رضایت از زندگی این دو گروه، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ در نتیجه، با افزایش جمعیت خانواده، احتمال سلامت شخصیت و

personality health and life
satisfaction of children.

رضایت از زندگی فرزندان، فزونی خواهد یافت.

Key words: personality, life
satisfaction, number of children.

کلیدواژه‌ها: شخصیت، رضایت از زندگی، تعداد
فرزند.

مقدمه

تعداد فرزند در خانواده و آثار فردی، خانوادگی و اجتماعی آن از مباحث چالش برانگیزی است که همواره پژوهشگران و اندیشمندان رشته‌های علوم انسانی را به خود مشغول کرده است. نظریه‌پردازان علوم اجتماعی ارزش فرزند و تعداد آن را بر اساس آداب و سنن اجتماعی و قوانین حاکم بر جامعه (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱) و نظریه‌پردازان اقتصادی تعداد فرزندان را بر اساس منافع و هزینه‌ها ارزیابی می‌کنند. تعداد فرزندان با توجه به منافع فرزندان مانند کالا، منبع لذت و نیروی کار بودن آنان و تأمین والدین در سنین کهولت و بیماری و نگهداری از آنان مورد بررسی قرار می‌گیرد (لیبنشتاین^۱، ۱۹۷۴). فرزند موجب افزایش وابستگی زوجین به همدیگر و افزایش اعتماد در زندگی می‌شود و انگیزه آنان را برای کسب موفقیت دوچندان می‌سازد (فریدمن^۲، هکتر^۳ و کانازاوا^۴، ۱۹۹۴). برخی نیز با بررسی رابطه سلامت و بیماری والدین با تعداد فرزندان خانواده دریافته‌اند که افسردگی والدین با تعداد فرزندان ارتباط دارد (یانگین^۵، سوزر^۶، سنگون^۷ و کوکولو^۸، ۲۰۰۸)؛ هرچند برخی پژوهش‌های دیگر این رابطه را گزارش نکرده‌اند (یساری، افشاری، تدین، کمیلی‌ثانی و حقیقی‌زاده، ۱۳۹۰). برخی از روان‌شناسان تحولی (مانند هارتپ^۹، ۱۹۸۳ و استونمن^{۱۰}، ۱۹۸۴ به نقل از کمیل^{۱۱}، ۲۰۰۶) نیز دریافته‌اند که بین تعداد فرزندان خانواده و تحول فرزندان رابطه وجود دارد.

در سال‌های اخیر بر اثر تغییرات مهم اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، پیدایش مفاهیم نوین درباره آزادی خصوصی و تجدیدنظر در خصوص عقاید مذهبی دیرین درباره زاد و ولد،

1. Leibenstein, H.

2. Fridman, D

3. Hechter, M.

4. Kanazawa, S.

5. Yangin, H. B.

6. Sozer, G. A.

7. Sengun, N.

8. Kukululu, K,

9. Hartup, W.W.

10. Stoneman, Z.

11. Campbell, S.B

وسعت خانواده به سرعت رو به کاهش گذاشته است (شجاعی، ۱۳۸۶). در حال حاضر میزان باروری در بیشتر کشورهای اروپایی به زیر حد جایگزین رسیده است و ۸۵ درصد از کشورهای در حال توسعه به طور رسمی سیاست‌های تنظیم خانواده را پذیرفته‌اند یا در عمل رویه‌هایی همگام با این سیاست‌ها اتخاذ کرده‌اند (بستان، بختیاری و شرف‌الدین، ۱۳۸۸). در کشور ما نیز علاوه بر تبلیغات گسترده‌ای که در سال‌های گذشته برای کاهش تعداد فرزند صورت گرفت نتایج برخی از پژوهش‌ها (ساطوریان، طهماسیان و احمدی، ۱۳۹۳) نشان می‌دهند که تک‌فرزندها ویژگی‌های مثبتی در زمینه عاطفی- رفتاری دارند؛ بنابراین برخی از والدین به داشتن یک فرزند بسنده می‌کنند و برخی دیگر تمایل به داشتن تنها یک فرزند دارند. بیشتر زنان و شوهران جوان، به دلیل مشکلات اقتصادی و روحیه رفاه‌طلبی، از داشتن فرزند امتناع می‌ورزند (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳)؛ برخی نیز به دلیل مشکلات تربیتی از داشتن فرزند بیشتر خودداری می‌کنند. بیماری‌ها، مشکلات، اختلالات روانی و بزه‌کاری‌های اجتماعی از دیگر عوامل روی‌گردانی والدین از داشتن فرزند بیشتر است (شجاعی، ۱۳۸۶). به نظر می‌رسد که کنترل نامناسب جمعیت، کاهش نامناسب جمعیت را در پی داشته است؛ برای نمونه بر اساس آمار بانک جهانی، میانگین اعضای خانواده‌های ایرانی از ۶ نفر در دهه ۱۹۸۶ به ۳/۲ نفر در سال ۱۹۹۵ و ۱/۹ نفر در سال ۲۰۱۲ کاهش یافته است (بانک جهانی، ۲۰۱۵). این امر افت شدید جمعیت در دهه ۹۰ را نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای که بر اساس قرائن موجود، در چند سال آینده کشور با رشد منفی جمعیت مواجه می‌شود و با چالش‌های گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی متعددی درگیر خواهد شد (فولادی، ۱۳۹۰).

از منظر آموزه‌های اسلامی فرزندآوری و تعدد فرزند امری پسندیده تلقی می‌شود و با مراجعه به آموزه‌های دینی می‌توان آثار مثبت و سازنده آن را مشاهده کرد. در اسلام فرزندان از ارکان مهم خانواده محسوب می‌شوند. «ولود» بودن^{۱۲} (شهیدثانی، بی تا) از ویژگی‌های مهم در انتخاب همسر دانسته شده است؛ ولود به معنای بسیار زاینده است (معلوف، ۱۳۸۶) و همسر ولود یعنی همسری که توانایی آوردن فرزندان بسیار داشته باشد. در قرآن و کلمات و سیره ائمه معصوم از فرزند با تعابیری چون: میوه

۱۲. سَوَاءٌ وُلُوْدٌ خَيْرٌ مِّنْ حَسَنَاءٍ لَا تَلِدُ قَائِلًا يُكْفِرُ بِكُمْ اَلْاَمَم.

دل^{۱۳} (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳)، نور دیده (همان)، مایه خوشبختی^{۱۴} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱)، کسی که انسان را یاری می‌کند^{۱۵} (همان) و مایه رحمت و غفران الهی^{۱۶} (همان) یاد شده است؛ از این رو در روایات توصیه فراوانی به فرزندآوری شده است^{۱۷} (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰۰). این نکته قابل پیش‌بینی است که وجود باورهای قوی دینی و پایبندی مذهبی در میان زوجین می‌تواند زمینه‌ساز میل به داشتن فرزند بیشتر باشد. می‌توان از سفارش‌های مؤکد و بسیار اسلام درباره ازدواج و تولید نسل، مطلوب بودن داشتن فرزند زیاد را استنباط کرد؛ هرچند بنا به مصالحی و با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و توان تربیت خانواده‌ها به طور موقت توجه قرار نگیرد. آیت الله لنکرانی معتقد است: «رشد جمعیت مسلمانان مطلوب اسلام است، ولی امکان دارد در شرایط خاصی به دلیل عوارضی اسلام با کنترل جمعیت موافق باشد» (عظیم‌زاده اردبیلی و خدایی، ۱۳۹۱).

یکی از چالش‌های اساسی تغییر جمعیت خانواده آثار و پیامدهای آن در تحول^{۱۸} و شخصیت فرزندان است. کاهش تعداد فرزندان، به‌ویژه تک‌فرزندی، فرایند رشد کودکان را با چالش روبه‌رو می‌سازد (ناچمن^{۱۹} و تامسون^{۲۰}، ۱۹۹۸). برخی از تحقیقات ویژگی‌های مثبتی برای تک‌فرزندها نشان می‌دهند (سردارپور گودرزی، درخشان‌پور، صدر و یاسمی، ۱۳۸۲ و بیاتی، ۱۳۸۳)؛ اما تحقیقات دیگری نیز ویژگی‌های نامطلوبی را برای تک‌فرزندان گزارش داده‌اند (زانگ^{۲۱}، کنستام^{۲۲}، چنگ^{۲۳} و لاو^{۲۴}، ۲۰۰۱؛ لیسن^{۲۵} و بلانتون^{۲۶}، ۲۰۰۱ و عزیزی، ۱۳۹۰). به‌طور کلی همشیرگی یک تجربه اجتماعی متفاوت است و ارتباط با همشیران موجب شکل‌گیری روحیه اجتماعی در کودکان می‌شود. ادراک اجتماعی، رفتار

۱۳. قال رسول الله: «أنهم تَمَرَةُ الْقُلُوبِ وَ قُرَّةُ الْأَعْيُنِ».

۱۴. سَعِيدٌ أَمْرٌ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَبْرِي خَلْفًا مِنْ نَفْسِهِ.

۱۵. مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ.

۱۶. وَ أَنْ بَقِيَ بَعْدَهُ اسْتَغْفَرَ لَهُ بَعْدَ مَوْتِهِ.

۱۷. قال رسول الله صلوات الله عليه وآله: «تناكحوا تكثروا أنى أباهى بكم الامم يوم القيامة و لو بالسقط».

18. development.

19. Nachman, P.

20. Thompson, A.

21. Zhang, Y.

22. Kohnstamm, G.

23. Cheung, P.C.

24. Lau, S.

25. Lisen, C.

26. Blanton, P.W.

جامعه‌پسند و رشد اخلاقی کودکان تحت تأثیر روابط همشیران در نظام خانواده و روابط والدین و کودک قرار دارد (کمبل^{۲۷}، ۲۰۰۶). تعدادی از پژوهش‌ها ویژگی‌های رابطه‌ای را که در دوره اولیه کودکی بین همشیره‌ها شکل می‌گیرد به دست آورده‌اند و جوانب مثبت و منفی آن را روشن نموده‌اند. این محققان معتقدند که اگر فقط بر روی جنبه منفی رقابت‌جویی همشیران تمرکز شود، وجوه مثبت رابطه آنان، که بر روی تحول اجتماعی-هیجانی کودکان و نظام خانواده تأثیر می‌گذارد، از دست می‌روند. در خانواده پیوند دوستی و همدلی عاطفی بین همشیران خردسال به وجود می‌آید و آنان درباره احساسات، رقابت‌سازنده و الگوهای قابل قبول رفتار اجتماعی چیزهایی از یکدیگر می‌آموزند (دان و کندریک^{۲۸}، ۱۹۸۳ و استوارت و همکاران، ۱۹۸۷ به نقل از کمبل، ۲۰۰۶). به نظر می‌رسد مشکل‌ساز بودن تک‌فرزندی، در مقایسه با خانواده‌هایی با چند فرزند، تأیید شده است (لیسن و بلانتون، ۲۰۰۱).

مقایسه ویژگی‌های شخصیتی فرزندان خانواده‌های کم جمعیت به ویژه تک فرزند با خانواده‌های چند فرزند قابل بررسی است. حجم خانواده یکی از عوامل تعیین‌کننده خصوصیات شخصیتی فرزندان به شمار می‌رود (احدی و بنی‌جمال، ۱۳۷۴). شخصیت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها و گرایش‌های پایداری که رفتارهای مشابه و متفاوت روان‌شناختی افراد (شامل افکار، هیجانات و کنش‌ها) را در طول زمان تعیین می‌کند (ربکا^{۲۹} و پینا^{۳۰}، ۲۰۱۱). صفات شخصیتی ویژگی‌های پایداری هستند که موجب تمایز افراد از یکدیگر می‌شوند (میر^{۳۱} و کورتز^{۳۲}، ۲۰۰۶). بر اساس پژوهش‌های به عمل آمده، شخصیت جایگاه تعیین‌کننده‌ای در سلامت، شکل‌گیری هیجانات و کنش‌های افراد دارد. یافته‌های کلین^{۳۳} و همکاران (۲۰۰۲) و ربکا و پینا (۲۰۱۱) نشان می‌دهد که بین شخصیت با سلامت و اختلالات خلقی رابطه وجود دارد. میر و کورتز (۲۰۱۰) دریافتند ویژگی‌های شخصیتی از عوامل تعیین‌کننده رفتار به شمار می‌آیند. بر اساس جهان‌بینی اسلامی نیز شخصیت هر فرد در شکل‌گیری رفتارش نقشی تعیین‌کننده دارد؛ قرآن کریم می‌فرماید: «هر کسی بر اساس خلق و خوی (شخصیت) خود رفتار می‌کند» (اسراء: ۳۲).

27. Campbell, S.B.

28. Kendrich, C.

29. Rebecca, A.

30. Pina, R.

31. Meyer, G.J.

32. Kurtz.

33. Klein, D.N.

بر اساس نظریه شخصیتی آیسنک، رفتار افراد سه بُعد از شخصیت آنان را منعکس می‌کند که شامل روان‌رنجوری^{۳۴}، روان‌گسستگی^{۳۵} و برون‌گرایی^{۳۶} است (براتیس^{۳۷}، راباویلاس^{۳۸}، پاپادیمیترو^{۳۹} و پاپاگرژیو^{۴۰}، ۲۰۱۱ و کال^{۴۱}، ۲۰۰۶). روان‌رنجوری یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی است. افراد روان‌رنجور به داشتن تجربه هیجان‌های منفی، عزت نفس پایین، بی‌ثباتی هیجانی، اضطراب، افسردگی و احساس گناه شناخته می‌شوند (براتیس و همکاران، ۲۰۱۱ و کال، ۲۰۰۶). شواهدی زیادی نتایج مثبت و منفی رشد عاطفی مبتنی بر روابط خواهر و برادری را نشان می‌دهد؛ برای مثال همشیران روابط مثبت‌تر، اعتماد به نفس بالاتر و احساس تنهایی کمتری دارند (شرمن، لنفورد و والینگ، ۲۰۰۶ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). دعوای همشیران می‌تواند با افزایش افسردگی در کودکان همراه باشد؛ اما صمیمیت همشیران با افزایش کارایی در میان همسالان (برای دختران) و کاهش افسردگی در آنان (برای هر دو جنس) همراه است (کیم، هال، کروتر و آزگود، ۲۰۰۷ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). همشیران نشانه‌های کمتری از افسردگی و تنهایی را دارند، ارتباط بیشتری با هم‌سالان برقرار می‌کنند و در کنار دیگران احساس راحتی بیشتری دارند (میلوسکی^{۴۲}، ۲۰۰۵ به نقل از عزیززی، ۱۳۹۰). ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که مشکلات درونی‌سازی شده^{۴۳}، مانند کناره‌گیری از تعامل‌های اجتماعی، بازدارندگی، اضطراب و افسردگی، در میان تک‌فرزندان بیش از همشیران است.

روان‌گسستگی از دیگر ویژگی‌های شخصیتی است. افراد روان‌گسسته به صفاتی از قبیل رفتار ضد اجتماعی، فقدان حساسیت هیجانی، تفکر پارانویید، تکانشگری، پرخاشگری، خودمحوری، خلاقیت و افکار خشونت‌بار گرایش دارند (براتیس و همکاران، ۲۰۱۱ و کال، ۲۰۰۶). انتهای طیف روان‌گسستگی با نشانه‌های روان‌گسستگی، شامل جامعه‌ستیزی، اسکیزوتایپی، افسردگی دو قطبی و اسکیزوفرنی، ارتباط دارد (بوکینگام، کیرنان^{۴۴} و اینسورث^{۴۵}، ۲۰۱۲). روان‌گسستگی بهترین پیش‌بین اختلالات شخصیت (شامل اسکیزوتایپی و پارانویید) و بیماری‌های روانی است. نمرات بالای روان‌گسستگی

34. neuroticism

35. psychoticism.

36. extraversion.

37. Beratis, I.N.

38. Rabavilas, A.D.

39. Papadimitriou, G.N.

40. Papageorgiou, C.

41. Cal, E.M.

42. Milvesky, M.

43. interalization.

44. Kiernan, M..

45. Ainsworth, S.

جوانان جرابم پنج سال بعد آنان را به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌کند. گرایش‌های بزه‌کاری به‌طور جدی با نمرات بالا در روان‌گسستگی ارتباط دارد. تمایل به سوء‌مصرف مواد، الکل، ماری‌جوانا و کوکائین در بین جوانان روان‌گسسته بیشتر است. روان‌گسستگان ارتباطات میان‌فردی رضایت‌بخشی ندارند و به رفتارهای ضد اجتماعی گرایش دارند و در تعامل با دیگران بی‌پروا و سرکش هستند (هیون^{۴۶} و سیاروچی^{۴۷}، ۲۰۰۶). بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که روان‌گسستگی با تعداد فرزند در ارتباط است. آدلر معتقد است تک‌فرزندها خودخواه‌تر از دیگران‌اند و در دوران بزرگسالی نیز، همانند کودکی خود، به‌شدت در پی آن هستند که مرکز توجه باشند؛ به همین دلیل احتمال بیشتری وجود دارد که ضربات شدید روانی را تجربه کنند (شولتز و شولتز، ۱۳۸۹). بر اساس برخی از تحقیقات، تک‌فرزندها به داشتن ویژگی‌های نامطلوبی مانند لوس بودن، خودگرایی، ناسازگاری، سمج بودن و ناپختگی توصیف می‌شوند (لیسن و بلانتون، ۲۰۰۱). برخی از این تحقیقات در اوایل دهه ۱۹۸۰ نشان دادند که تک‌فرزندان چینی خودخواه، غیراجتماعی، ناسازگار، متکبر و ترسو هستند (ژانگ^{۴۸} و همکاران، ۲۰۰۱). مصباح، زارعان، بی‌ریا، آقاتهرانی، رهنمایی، شاملی، حقانی و ساجدی (۱۳۸۳) بیان کرده‌اند که تک‌فرزندها را معمولاً «بچه لوس» معرفی می‌کنند؛ چون در آنان تلفیقی از نشانه‌های نامطلوب، مانند وابستگی، خودستایی، عدم خویش‌داری و اختلالات عاطفی، به چشم می‌خورد. نتایج تحقیقات جیائو^{۴۹} و همکاران (۱۹۸۶) به نقل از بیاتی، (۱۳۸۳) نیز نشان داد که تک‌فرزندان بیشتر خودمحورند، در حالی که کودکان دارای خواهر یا برادر خصوصیات مثبتی مانند استقلال فکری، روحیه همکاری، تعاون و منزلت بیشتری در میان هم‌سالان خود دارند. ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) دریافتند که مشکلات برون‌سازی^{۵۰}، مانند رفتار ضد اجتماعی، تضادورزی و پرخاشگری، در میان تک‌فرزندان بیش از همشیران است. در مقابل، سردارپور و همکاران (۱۳۸۲) بیان کردند که فراوانی اختلال‌های رفتاری سلوک، کمبود توجه، بیش‌فعالی و سایر اختلال‌های رفتاری، در کودکان تک‌فرزند به مراتب کمتر از همشیران است. ویلکینسون^{۵۱} و راولیا^{۵۲}

46. Heaven, P.C.L.

47. Ciarrochi, J.

48. Zhang, Y.

49. Jiao, J.I.

50. externalization.

51. Wilkinson, J.

52. Ravelia, L.

(۱۹۹۷) و وانگ^{۵۳} (۱۹۹۸) در بررسی‌های خود در کشور هلند نشان دادند که تک‌فرزندان، در مقایسه با بچه‌های دارای خواهر یا برادر، از نظر هوش و کارایی و میزان سازگاری در سطح مطلوب‌تری قرار دارند (بیاتی، ۱۳۸۳).

از ویژگی‌های شخصیتی افراد برون‌گرایی و درون‌گرایی است. بیشتر افرادی که در مقیاس برون‌گرایی نمره بالایی دارند معاشرتی، خونگرم، اجتماعی، فعال و خوش‌بین هستند، در حالی که افراد دارای نمره پایین و درون‌گرا ساکت، غیراجتماعی، منفعل و مراقب هستند (ماتوس^{۵۴} و گیلیند^{۵۵}، ۱۹۹۹). پژوهش‌ها گویای این مطلب‌اند که همشیران رشد اجتماعی بالاتری دارند و احساسات، رقابت‌سازنده و الگوهای قابل قبول رفتار اجتماعی را از یکدیگر می‌آموزند (کمبل، ۲۰۰۶). میلووسکی (۲۰۰۵) به نقل از عزیزی، (۱۳۹۰) در تحقیقات خود دریافت که کودکان دارای خواهر یا برادر که از سوی همشیران خود حمایت می‌شوند گرایش بیشتری به سازگاری اجتماعی دارند و به لحاظ اجتماعی آسان‌تر با دیگران انس می‌گیرند. اندرسون (۱۹۹۹) به نقل از آقامحمدی، (۱۳۹۱) دریافت که همشیران از نظر اجتماعی مسئولیت‌پذیرترند و از نظر عملکرد شناختی، استقلال و روابط اجتماعی در وضعیت بهتری به سر می‌برند.

رابطه رضایت از زندگی با تعداد فرزند از موضوعات مهمی است که باید به آن پرداخته شود. رضایت از زندگی و بهزیستی از عناصر اساسی زندگی در همه فرهنگ‌ها است. روان‌شناسان سلامت می‌کوشند تا عوامل پرورش سطوح بالاتر بهزیستی و رضایت از زندگی را شناسایی کنند (لوکاس^{۵۶}، ۲۰۰۷). مفهوم رضایت تجربه درونی است که حضور مثبت هیجان‌ها و نبود احساسات منفی را در بر می‌گیرد (رود^{۵۷}، ۲۰۰۵). بر اساس پژوهش‌ها، جوانی، سلامت، تحصیلات خوب، توانایی‌های مالی، برون‌گرایی، خوش‌بینی، عدم تنش و نگرانی، مذهب، تأهل، عزت نفس و آرزوهای معتدل از عوامل رضایت از زندگی به‌شمار می‌آیند (ویلسون^{۵۸}، ۱۹۶۷ و دینر^{۵۹}، دینر^{۶۰} و دینر^{۶۱}، ۱۹۹۵). همچنین فرزندآوری با رضایت از زندگی والدین در ارتباط است. کودکان والدین را از تنهایی رهایی

53. Wang, C.

56. Lucas, R.E.

59. Diener, E.

54. Matthews, G.

57. Rode, J.C.

60. Diener, M.

55. Gilliland, K.

58. Wilson, W.R.

61. Diener, C.

می‌بخشند و موجب نشاط و شادابی آنان می‌گردند (محمودیان و پوررحیم، ۱۳۸۱). دعوی همشیران می‌تواند احساس رضایت را در کودکان کاهش دهد؛ اما صمیمیت آنان افزایش رضایت از زندگی و کاهش افسردگی را به همراه دارد (کیم، هال، کروتز و آزگود، ۲۰۰۷ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱). همشیران نشانه‌های کمتری از افسردگی و تنهایی نشان می‌دهند، ارتباط بیشتری با همسالان دارند و در کنار دیگران احساس راحتی بیشتری می‌کنند (میلوسکی، ۲۰۰۵ به نقل از عزیزی، ۱۳۹۰).

از عوامل تأثیرگذار بر رضایت از زندگی می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی اشاره کرد (چیو^{۶۲}، ۲۰۰۸) که با تعداد فرزندان نیز در ارتباط است. یافته‌های سپوتس^{۶۳}، لیچتنتستین^{۶۴}، پدرسن^{۶۵}، نیدرهیسر^{۶۶}، هنسون^{۶۷}، سدربلاد^{۶۸} و ریس^{۶۹} (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که شخصیت زوجین در بهزیستی و رضایت از زندگی آنان مؤثر است. موسک^{۷۰} (۲۰۰۷) دریافت افرادی که در عامل عمومی شخصیت بالاتر هستند، رضایت از زندگی بیشتر و عزت نفس بالاتری دارند. عطارزاده و همکاران (۱۳۸۵)، سرمدی، داوودی، پیرانی و گیوکی (۱۳۸۷) نیز نشان دادند که عامل روان‌رنجوری با رضایت از زندگی رابطه منفی دارد؛ اما سایر عوامل شخصیتی، مانند برون‌گرایی، پذیرا بودن، سازگاری و مسئولیت‌پذیری رابطه مثبتی با رضایت از زندگی دارند. آقابابایی (۱۳۹۱) با انجام پژوهشی در میان دانشجویان دریافت که برون‌گرایی، توافق، وظیفه‌شناسی، صداقت و فروتنی با رضایت از زندگی رابطه مثبت و روان‌رنجوری با رضایت از زندگی رابطه منفی دارد. در مجموع، تعداد فرزندان و روابط خواهران و برادران هم می‌تواند زمینه محافظت از فرزندان را فراهم آورد و هم می‌توان آن را عامل خطر در نظر گرفت (کمیجانی و ماهر، ۱۳۸۶ و احدی و بنی‌جمال، ۱۳۷۵). در کشور ما با توجه به شعار رایج سال‌های اخیر، یعنی دو بچه کافی است، زمینه کاهش فرزندآوری در خانواده ایجاد شده است. پژوهش حاضر با هدف مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های یک و دو فرزند با خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند صورت گرفته است. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: ۱. آیا بین روان‌آزردگی دانش‌آموزان این خانواده‌ها

62. Chew, P.K.

65. Pedersen, N.

68. Hansson, K..

63. Spotts, E.L.

66. Neiderhiser, J.M

69. Reiss, D.

64. Lichtenstein, P.,

67. Hansson, K..

70. Musek, J.

تفاوت وجود دارد؟ ۲. آیا روان‌گسستگی دانش‌آموزان این خانواده‌ها با هم تفاوت دارد؟
۳. آیا برون‌گرایی دانش‌آموزان در این خانواده‌ها متفاوت است؟ ۴. آیا رضایت از زندگی دانش‌آموزان در این خانواده‌ها یکسان است؟

روش پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی است. با توجه به اینکه توزیع نرمال نیست آزمون غیرپارامتریک به کار گرفته شد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و مقایسه گروه‌ها از آزمون مان‌ویتنی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش متشکل از دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهرستان بهارستان استان تهران است. حجم نمونه مورد پژوهش ۲۹۵ نفر است که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به دست آمد. دبیرستان‌های یکی از بخش‌های شهرستان یک خوشه در نظر گرفته شد و سپس هشت دبیرستان دخترانه و پسرانه به‌طور تصادفی انتخاب شدند. پرسش‌نامه‌ها در بین دانش‌آموزان مدارس منتخب توزیع و داده‌ها جمع‌آوری شد و پرسش‌نامه‌های کامل مورد استفاده قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار پژوهش

الف) مقیاس شخصیتی آیسنک:^{۷۱} پرسش‌نامه شخصیتی آیسنک در سال ۱۹۶۳ برای سنجش برخی از ویژگی‌های شخصیتی، مانند برون‌گرایی، روان‌آزردگی و روان‌گسستگی، ساخته شد. خرده‌مقیاس‌های آن شامل سه ویژگی شخصیتی مذکور به همراه خرده‌مقیاس دروغ‌سنج است. پرسش‌نامه دارای دو فرم است که فرم بزرگسال آن ۹۰ سؤالی است و با پاسخ بلی یا خیر جواب داده می‌شود (فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). آیسنک آن را بر روی گروه واحد در دو زمان متفاوت اجرا نمود و اعتبار و روایی آن را به دست آورد. ضریب اعتبار درونی (آلفای کرونباخ) برای مردان روان‌گسستگی ۰/۷۸، برون‌گرایی ۰/۹۰، نوروگرایی ۰/۸۸ و دروغ ۰/۸۲ و برای زنان روان‌گسستگی ۰/۷۶، برون‌گرایی ۰/۸۵، نوروگرایی ۰/۸۵ و دروغ ۰/۷۹ به دست آمد. همچنین با روش بازآزمایی به فاصله یک ماه بر روی یک نمونه ۲۳۰ نفری، ضریب همبستگی به شرح

زیر گزارش شد: برای مردان روان گسستگی ۰/۷۷، برون‌گرایی ۰/۸۳، نوروزگرایی ۰/۷۶ و دروغ ۰/۷۶ و برای زنان روان گسستگی ۰/۸۱، برون‌گرایی ۰/۸۹، روان‌آزردگی ۰/۸۱ و دروغ ۰/۸۰ (آیسنک، ۱۹۷۵ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). ضریب اعتبار در نمونه ایرانی با روش بازآزمایی به فاصله دو ماه به شرح زیر گزارش شده است: روان گسستگی ۰/۷۲، برون‌گرایی ۰/۹۲، نوروزگرایی ۰/۸۹ و دروغ ۰/۸۸ (کاوایی، ۱۳۸۲ به نقل از فتحی آشتیانی، ۱۳۸۸). در پژوهش حاضر اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ شاخص‌های روان گسستگی ۰/۷۷، روان‌آزردگی ۰/۷۳، برون‌گرایی ۰/۸۲ و دروغ‌سنجی ۰/۷۸ به دست آمده است.

ب) مقیاس رضایت از زندگی:^{۷۲} این مقیاس تک‌عاملی و دارای پنج گویه است. داینر^{۷۳} این مقیاس را برای سنجش وجه شناختی بهزیستی فاعلی ساخته و تاکنون یکی از پرکاربردترین ابزارها در زمینه رضایت از زندگی بوده است (اتینزا^{۷۴}، بالاگور^{۷۵} و گارسیا مریتا^{۷۶}، ۲۰۰۳). این مقیاس را بیاتی، کوچکی و گودرزی (۱۳۸۶) اعتباریابی کرده‌اند. به گزارش آنان، اعتبار این مقیاس از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و با روش بازآزمایی ۰/۶۹ به دست آمد و برای گروه‌های سنی مختلف قابل اجرا است. در پژوهش حاضر اعتبار آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱ توزیع فراوانی ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی را توصیف می‌کند. از مجموع ۳۱۶ شرکت‌کننده نمره میانگین روان‌آزردگی ۱۴/۱۸ و انحراف استاندارد آن ۴/۵۲، نمره میانگین روان گسستگی ۷/۰۹ و انحراف استاندارد آن ۳/۱۶ و نمره میانگین رضایت از زندگی ۲۱/۲۳ و انحراف استاندارد آن ۶/۴۶ است.

72. Satisfaction with Life Scale

73. Diener, E.

74. Atienza, F.L.

75. Balaguer, I.

76. Garcí'a-Merita, M.L.

جدول ۱- توزیع فراوانی متغیرهای رضایت از زندگی و ویژگی‌های شخصیتی (n=۲۹۵)

| متغیر | میانگین | انحراف استاندارد | کمینه | بیشینه |
|----------------|---------|------------------|-------|--------|
| روان‌آزردگی | ۱۳/۶۲ | ۴/۲۰ | ۳ | ۲۸ |
| روان‌گسستگی | ۶/۹۱ | ۳/۳۳ | ۰ | ۱۷ |
| برون‌گرایی | ۱۳/۰۹ | ۳/۱۸ | ۲ | ۲۰ |
| رضایت از زندگی | ۲۱/۳۵ | ۶/۴۶ | ۵ | ۳۵ |

در جدول شماره ۲ میانگین رتبه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی بر اساس تعداد فرزندان مورد مقایسه قرار گرفته است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر است. همچنین میانگین رتبه روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌هایی با سه فرزند و بیشتر است. میانگین رتبه برون‌گرایی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند اندکی بیش از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای سه فرزند و بیشتر است. میانگین رتبه رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند تفاوتی با دانش‌آموزان خانواده‌هایی با سه فرزند و بیشتر ندارد.

جدول شماره ۲- میانگین رتبه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند

| متغیر | تعداد فرزند | تعداد | میانگین |
|----------------|------------------|-------|---------|
| روان‌آزردگی | یک و دو فرزند | ۵۳ | ۱۷۴/۰۲ |
| | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲ | ۱۴۲/۳۰ |
| | کل | ۲۹۵ | ۱۴۷/۹۹ |
| روان‌گسستگی | یک و دو فرزند | ۵۳ | ۱۸۲/۸۵ |
| | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲ | ۱۴۰/۳۷ |
| | کل | ۲۹۵ | ۱۴۸/۰۰ |
| برون‌گرایی | یک و دو فرزند | ۵۳ | ۱۵۴/۵۸ |
| | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲ | ۱۴۶/۵۶ |
| | کل | ۲۹۵ | ۱۴۸/۰۰ |
| رضایت از زندگی | یک و دو فرزند | ۵۳ | ۱۴۴/۵۵ |
| | سه فرزند و بیشتر | ۲۴۲ | ۱۴۸/۷۶ |
| | کل | ۲۹۵ | ۱۴۸/۰۱ |

جدول شماره ۳ آزمون مان ویتنی را نشان می‌دهد که برای مقایسه گروه‌ها بر اساس تعداد فرزند با ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی به کار رفته است. با توجه به این آزمون، تفاوت میانگین رتبه روان‌آزردگی با توجه به تعداد فرزند ($P < 0/05$ ، $Z = -2/45$) و تفاوت میانگین رتبه روان‌گسستگی با توجه به تعداد فرزند ($P < 0/01$ ، $Z = -3/29$) از نظر آماری معنادار است؛ اما تفاوت میانگین رتبه برون‌گرایی با توجه به تعداد تولد ($Z = -0/62$)، تفاوت میانگین رتبه رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند ($Z = -0/32$) و تفاوت میانگین رتبه رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند ($P > 0/05$) از نظر آماری معنادار نیست.

جدول شماره ۳: آزمون مان ویتنی

برای مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و رضایت از زندگی با توجه به تعداد فرزند

| آزمون | روان‌آزردگی | روان‌گسستگی | برون‌گرایی | رضایت از زندگی |
|-----------------|-------------|-------------|------------|----------------|
| آماره مان ویتنی | ۵۰۳۴ | ۴۵۶۶ | ۶۰۶۴ | ۶۳۳۰ |
| Z | -۲/۴۵ | -۳/۲۹ | -۰/۶۲ | -۰/۳۲ |
| سطح معناداری | ۰/۰۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۵۳ | ۰/۷۴ |

بحث و نتیجه‌گیری

یافته اول نشان می‌دهد میانگین رتبه روان‌آزردگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند است. تعداد فرزندان خانواده رابطه معناداری با روان‌آزردگی آنان دارد و دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند روان‌آزردگی کمتری دارند. این یافته با پژوهش‌های شرم، لنفورد و والینگ (۲۰۰۶) به نقل از آقامحمدی، (۱۳۹۱)؛ میلووسکی (۲۰۰۵) به نقل از عزیززی، (۱۳۹۰) و ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) هم‌سو است. در تبیین یافته مذکور می‌توان گفت همان‌طور که ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳) اذعان داشته‌اند بسیاری از والدین خانواده‌های کم‌جمعیت، فرزندان خود را مورد محبت و رسیدگی شدید و یا سخت‌گیری و کنترل بیش از حد قرار می‌دهند. کنترل‌گری زیاد والدین در خانواده‌های کم‌جمعیت زمینه اضطراب و افسردگی را در کودک ایجاد خواهد کرد. از سوی دیگر در خانواده‌های کم‌فرزند احتمال افزایش شاغل بودن پدر و مادر، تعامل پایین با والدین، ارتباط و بازی محدود با هم‌سالان و خواهر و برادر و احساس تنهایی و وابستگی کودک وجود دارد (همان) که زمینه مؤلفه‌های روان‌آزردگی مانند، عزت نفس پایین،

بی‌ثباتی هیجانی، اضطراب، افسردگی و احساس گناه، را فراهم می‌آورد. یافته دوم گویای این مطلب است که میانگین رتبه روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند است. تعداد فرزندان خانواده رابطه معناداری با روان‌آزردگی آنان دارد و دانش‌آموزان خانواده‌های بیش از دو فرزند روان‌گسستگی کمتری دارند. یافته مذکور با نتایج تحقیقات لیسن و بلانتون (۲۰۰۱)، زانگ و همکاران (۲۰۰۱)، جیائو و همکاران (۱۹۸۶) به نقل از بیاتی، (۱۳۸۳)، ساطوریان و همکاران (۱۳۹۳)، شولتز و شولتز (۱۳۸۹) و مصباح و همکاران (۱۳۸۳) هم‌سو و با پژوهش‌های سردارپور و همکاران (۱۳۸۲)، ویلکینسون و راویا (۱۹۹۷) و وانگ (۱۹۹۸) به نقل از بیاتی، (۱۳۸۳) ناهم‌سو است. یافته مذکور را می‌توان چنین تفسیر نمود که زندگی در خانواده‌ای که همشیران با هم به سر می‌برند، مهارت‌های اجتماعی و ارتباط صمیمی بین همشیران را توسعه می‌دهد. این همزیستی ممکن است گاهی با تعارض همراه باشد؛ اما تجربه این تعارضات در دوران کودکی موجب می‌شود کودک مدیریت حل تعارض را بیاموزد (کیتزمن، ۲۰۰۲ به نقل از عزیزی، ۱۳۹۰). همشیران در منظومه خانواده اوقات زیادی را با هم می‌گذرانند و کیفیت تعاملات آنان می‌تواند نقش مهمی در رشد کودک ایفا کند (برادی^{۷۷}، استونمن^{۷۸} و مک‌کوی^{۷۹}، ۱۹۹۲). این امر سازگاری اجتماعی فرزندان را بالا می‌برد و مهارت‌های حل مسئله و کنترل تکانه را به آنان می‌آموزد. به همین دلیل در مؤلفه‌های روان‌گسستگی نمره پایین‌تری به دست می‌آوردند. از سویی نیز تنبیه جسمانی و انضباط متناقض میان خانواده‌های کم‌فرزند از سایر خانواده‌ها بیشتر است که، همراه افزایش احتمال شاغل بودن هر دو والد و پایین بودن سن مادر و کنترل شدید والدین یا سهل‌گیری بیش از حد در خانواده‌های کم‌فرزند (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳)، زمینه مؤلفه‌های روان‌گسستگی، مانند کارهای ضداجتماعی، تکانش‌گری، پرخاشگری و خودمحوری، را فراهم می‌آورد.

یافته سوم نشان می‌دهد که میانگین رتبه برون‌گرایی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند تفاوت معناداری با دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند ندارد. پژوهش خاصی هم‌سو با این یافته به دست نیامد؛ اما پژوهش‌های کمبل (۲۰۰۶)،

77. Brody, G.H.

78. Stoneman, Z.

79. McCoy J.K.

می‌لوسکی (۲۰۰۵ به نقل از عزیززی، ۱۳۹۰) و اندرسون (۱۹۹۹ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱) با این پژوهش ناهم‌سو و گویای این مطلب‌اند که همشیران اجتماعی‌تر و برون‌گراترند. با توجه به پژوهش‌های گذشته انتظار این بود که بین تعدد فرزندان و برون‌گرایی ارتباط معناداری به دست آید؛ اما فرضیه مذکور تأیید نشد. به نظر می‌رسد یافته مذکور را می‌توان چنین تبیین کرد که در خانواده‌های کم‌فرزند احتمال اشتغال والدین بیشتر است (ساطوریان و همکاران، ۱۳۹۳) که زمینه ورود فرزندان، در سنین پایین، را به محیط‌های آموزشی مانند مهد کودک فراهم می‌آورد و فرزندان تا حدی مهارت‌های اجتماعی و اجتماعی‌شدن را می‌آموزند.

بر اساس یافته چهارم میانگین رتبه رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند تفاوت معناداری با دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند ندارد. برای یافته مذکور پژوهش هم‌سوئی مشاهده نشد؛ اما پژوهش‌های ناهم‌سوی کیم، هال، کروتر و آزگود (۲۰۰۷ به نقل از آقامحمدی، ۱۳۹۱) و می‌لوسکی (۲۰۰۵ به نقل از عزیززی، ۱۳۹۰) گویای این مطلب‌اند که تعداد فرزندان با رضایت از زندگی در ارتباط است.

با توجه به پیشینه پژوهش و بر اساس پژوهش‌های گذشته، که همبستگی ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی را به دست داده‌اند (سپوتس و همکاران، ۲۰۰۵؛ موسک، ۲۰۰۷؛ عطارزاده و همکاران، ۱۳۸۵ و سرمدی و همکاران ۱۳۸۷) و نیز با عنایت به پژوهش موجود که ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی با رضایت از زندگی را نتیجه داد، توقع این بود که بین رضایت از زندگی و تعدد فرزندان هم ارتباط معناداری یافت شود؛ اما فرضیه مذکور تأیید نشد. گفتنی است که در پژوهش حاضر نیز این رابطه، به صورت غیرمعنادار، به دست آمد و به نظر می‌رسد در صورت کنترل بیشتر متغیرهای مزاحم امکان معناداری رابطه به وجود بیاید. یافته مذکور را می‌توان چنین تبیین کرد که بر اساس پژوهش‌ها، توانایی مالی از عوامل رضایت از زندگی به شمار می‌آید (ویلسون، ۱۹۶۷ و دینر، ۱۹۹۵) و خانواده‌های کم‌فرزند، در مقایسه با خانواده‌های پرجمعیت، سرمایه‌گذاری مالی بیشتری انجام می‌دهند و فرزندان از امکانات مادی بیشتری برخوردارند؛ بنابراین ممکن است فرزندان، دست‌کم تا قبل از ازدواج، روی منابع مالی والدین تکیه کنند و احساس رضایت بیشتری از خود نشان دهند و این امر نقصان ناشی از ویژگی‌های شخصیتی را به‌طور موقت جبران نماید.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که میانگین رتبه روان‌آزردگی و روان‌گسستگی دانش‌آموزان خانواده‌های دارای یک و دو فرزند به‌طور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان خانواده‌هایی با بیش از دو فرزند است. همچنین میانگین رتبه برون‌گرایی و رضایت از زندگی دانش‌آموزان خانواده‌هایی با یک و دو فرزند تفاوت معناداری با دانش‌آموزان خانواده‌های دارای بیش از دو فرزند ندارد. دو یافته اول با بسیاری از پژوهش‌های به عمل آمده هم‌سو و بر اساس آموزه‌های اسلامی است.

این پژوهش دارای محدودیت‌هایی است؛ برای نمونه روش آماری به کار رفته در آن از نوع همبستگی است و نباید آن را به صورت علت و معلولی تبیین کرد. همچنین این پژوهش فقط در جامعه دانش‌آموزی صورت گرفته که ممکن است ویژگی‌های شخصیتی افراد به‌درستی شکل نگرفته باشد؛ از این رو لازم است تعمیم‌پذیری با دقت صورت پذیرد و پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر پژوهش‌های متعددی در جوامع مختلف صورت بگیرد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، به منظور سلامت شخصیت فرزندان، توصیه می‌شود تعدد بیش از دو فرزند مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- احدی، حسن و بنی‌جمال، شکوه‌السادات (۱۳۷۵)، مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی کودک و روان‌شناسی رشد، تهران: بنیاد. آقابابایی، ناصر (۱۳۹۱)، «رابطه صداقت و فروتنی با شخصیت، دین و بهزیستی فاعلی»، روان‌شناسی و دین، سال پنجم، شماره ۳، ۲۵-۴۰.
- آقامحمدی، سوده (۱۳۹۱)، اثر آموزش مدیریت روابط همشیران به والدین بر بهبود روابط همشیران و کاهش استرس والدگری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی کودک و نوجوان، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بانک جهانی (۲۰۱۵)، نرخ زاد و ولد کشورهای دنیا، قابل دسترسی در: <http://data.worldbank.org/indicator/SP.DYN.TFRT.IN>
- بستان، حسین، بختیاری، محمدعزیز و شرف‌الدین، حسین (۱۳۸۸)، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بیاتی، علی‌اصغر، کوچکی، عاشورمحمد و گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶)، «اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی»، روان‌شناسان ایرانی، سال سوم، شماره ۱۱، ۲۵۹-۲۶۵.
- بیاتی، فاطمه (۱۳۸۳)، مقایسه سازگاری عاطفی، اجتماعی، آموزشی و همدلی مادران و دختران در بین دانش‌آموزان دختر تک‌فرزند و چندفرزند مقطع راهنمایی شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره و راهنمایی، تهران: دانشگاه الزهراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ساطوریان، سیدعباس، طهماسبیان، کارینه و احمدی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «مقایسه مشکلات رفتاری کودکان در خانواده‌های تک‌فرزند و دو فرزند»، روان‌شناسی و دین، سال هفتم، شماره ۱، ۶۵-۸۰.
- سردارپور گودرزی، شاهرخ؛ درخشان‌پور، فیروزه، صدر، سیدسعید و یاسمی، محمدتقی (۱۳۸۲)، «اختلال‌های رفتاری در کودکان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند شهر تهران»، اندیشه و رفتار، سال نهم، شماره ۱، ۲۰-۲۶.
- سرمدی، افسانه، داوودی، حسین، پیرانی، ذبیح و گیوکی، ابراهیم (۱۳۸۷)، «رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت NEO-R و رضایت زناشویی»، چکیده مقالات همایش روان‌شناسی و کاربرد آن در جامعه، مردودشت: دانشگاه آزاد اسلامی.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۸۶)، «نقش فرزند در استحکام و بهداشت روانی خانواده»، همایش تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شولتز، دوان بی و شولتر، سیدنی ال (۱۳۸۹)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر ویرایش.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن‌احمد (۱۴۰۶ق)، مسکن الفؤاد عند فقد الاحبّه و الاولاد، قم: بصیرتی.
- عزیزی، الهه (۱۳۹۰)، بررسی پیوندهای خانوادگی کودکان مبتلا به اختلال ADHD و مقایسه آن با کودکان عادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد خانواده‌درمانی، تهران: پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی.
- عطارزاده، عبدالکریم، مومبینی، شمس، کاظمی، زهرا و نامجو، ایزدینا (۱۳۸۵)، «بررسی رابطه ساده و چند گانه بین ویژگی‌های شخصیت و وسواس با رضایت زناشویی»، چکیده مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و خدایی، انسیه (۱۳۹۱)، «فرهنگ کنترل موالید در نگاه فقهی و اجتماعی»، فقه و حقوق خانواده، سال هفدهم، شماره ۵۷، ۵-۲۷.
- فتحی آشتیانی، علی (۱۳۸۸)، آزمون‌های روان‌شناختی، تهران: بعثت.
- فولادی، محمد (۱۳۹۰)، «تأملی در سیاست کنترل جمعیت: آثار و پیامدهای آن»، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، ۱۵۳-۱۸۰.

- کیمیجانی، مهرناز و ماهر، فرهاد (۱۳۸۶)، «مقایسه شیوه‌های فرزندپروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، سال نهم، شماره ۳۳، ۹۴-۶۳.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
- محدث نوری، میرزاحسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک‌الوسائل، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- محمودیان، حسین و پوررحیم، محمدرضا (۱۳۸۱)، «ارزش فرزند از دیدگاه زوجین جوان و رابطه آن با باروری (مطالعه موردی شهرستان بهشهر)»، فصل‌نامه جمعیت، شماره ۴۱، ۸۹-۱۰۳.
- مصباح، علی، زارعان، محمدجواد، بی‌ریا، ناصر، آقانه‌رانی، مرتضی، رهنمایی، احمد، شاملی، عباس، حقانی، ابوالحسن و ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: سمت.
- معلوف، لوئیس (۱۳۸۶)، المنجد فی اللغة، قم: انتشارات بلاغت.
- یساری، فهیمه، افشاری، پوران‌دخت، تدین، میترا، کمیلی‌ثانی، حسین و حقیقی‌زاده، محمدحسین (۱۳۹۰)، «بررسی فراوانی افسردگی و عوامل مرتبط با آن در زنان یائسه مراجعه‌کننده به مرکز بهداشتی درمانی شهرستان ذرفول»، مجله علمی پزشکی، دوره دهم، شماره ۶، ۶۷۴-۶۶۵.
- Atienza, F. L., Balaguer, I. & Garcí'a-Merita, M. L. (2003), "Satisfaction with Life Scale: analysis of factorial invariance across sexes", *Personality and Individual Differences*, 35, 1255-1260.
- Beratis, I. N., Rabavilas, A. D., Papadimitriou, G. N. & Papageorgiou, C. (2011), "Eysenck's model of personality and psychopathological components in right and left handers", *Personality and Individual Differences*, 50, 1267-1272.
- Brody, G. H., Stoneman, Z. & McCoy J. K. (1992), "Associations of maternal and paternal direct and differential behavior with sibling relationships: Contemporaneous and longitudinal analyses", *Child Development*, 63 (1), 82-92.
- Buckingham, R., Kiernan, M. & Ainsworth, S. (2012), "Fluid insight mode rates the relationship between psychoticism and crystallized intelligence", *Personality and Individual Differences*, 52, 406-410.
- Cal, E. M. (2006), "A quantitative review of the relations between the 'Big 3' higher order personality dimensions and antisocial behavior", *Journal of Research in Personality*, 40, 250-284.
- Campbell, S. B. (2006), *Behavior problems in preschool children*, second edition: clinical and developmental issues, Guilford Press.
- Chew, P. K. (2008), "Job stress, employee health, and life satisfaction", *Journal of Occupational Health and safety*, 47, 50-53.
- Diener, E. Diener, M. & Diener, C. (1995), "Factor predicting the subjective well-being of nations", *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 851-864.
- Fridman, D., Hechter, M. & Kanazawa, S. (1994), "A theory of the value of children", *Journal of Demography*, 31(3), 375-401.
- Heaven, P. C. L., & Ciarrochi, J. (2006), "Perceptions of parental styles and

- Eysenckian psychoticism in youth: A prospective analysis”, *Personality and Individual Differences*, 41, 61-70.
- Klein, D. N., Durbin, C. E., Shankman, S. A. & Santiago, N. J. (2002), *Depression and personality*, in *Handbook of Depression*, I.H. Gotlib and C. L. Hammen, Eds., pp. 115–140, Guilford Press, New York.
- Leibenstein, H. (1974), “Socio-economic fertility theories and their relevance to population policy”, *Journal of International Labour Review*, 109(5-6), 443-57.
- Lisen, C. R. & Blanton, P. W. (2001), “Experience of only children”, *Journal of Individual Psychology*, 57 (2), 725-740.
- Lucas, R. E. & Donnellan, M. B. (2007), “How stable is happiness? Using the STARTS model to estimate the stability of life satisfaction”, *Journal of Research in Personality*, 41, 1091-1092.
- Matthews, G. & Gilliland, K. (1999), “The Personality theories of H.J.Eysenck and J.A.Gray : a comparative review”, *Personality and Individual Differences*, 26, 583- 626.
- Meyer, G. J. & Kurtz, J. E. (2006), “Advancing personality assessment terminology: time to retire ‘objective’ and ‘protective’ as personality test descriptors”, *Journal of Personality Assessment*, 87 (3), 223-225.
- Musek, J. (2007), “A general factor of personality: Evidence for the Big One in the five-factor model”, *Journal of Research in Personality*, 41, 1213-1233.
- Nachman, P. & Thompson, A. (1998), *You and Your Only Child: The Joys, Myths, and Challenges of Raising an Only Child*. Harper Collins.
- Rebecca, A. & Pina, R. (2011), *Depression and Self-Concept: Personality Traits or Coping Styles in Reaction to School Retention of Hispanic Adolescents*, Houston, Hindawi Publishing Corporation Depression Research and Treatment.
- Rode, J. C. (2005), “Life satisfaction and student performance, Academy of management learning and education”, *Journal of Social Behavior and Personality*, 4(3), 421-433.
- Spotts, E. L., Lichtenstein, P., Pedersen, N., Neiderhiser, J. M., Hansson, K., Cederblad, M., & Reiss, D. (2005), “Personality and marital satisfaction: a behavioral analysis”, *European Journal of Personality*, 19 (3), 205- 227.
- Wilson, W. R. (1967), “Correlates of avowed happiness”, *Psychological Bulletin*, 67, 294-306.
- Yangin H. B., Sozer G. A., Sengun, N. & Kukulu, K. (2008), “The relationship between depression and sexual function in menopause period”, *Maturitas*, 61, 233- 237.
- Zhang, Y., Kohnstamm, G., Cheung, P. C. & Lau, S. (2001), “A new look at the old little emperor: developmental changes in the personality of only children in China”, *Social Behavior and personality*, 29 (7), 725-732.